

شناسایی قابلیت‌های کارآفرینی (مطالعه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین اهواز)

حوریه مرادی^{۱*} - حسین شعبانعلی فمی^۲

۱. کارشناس ارشد مهندسی ترویج و آموزش کشاورزی
 ۲. دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تهران
- (تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۹/۱، تاریخ تصویب: ۱۳۸۹/۶/۱۵)

چکیده

در سال‌های اخیر، زنان گرایش بیش‌تری به تحصیلات دانشگاهی پیدا کرده‌اند و نرخ ورود زنان و دختران به دانشگاه‌ها، هر ساله رو به افزایش است. در حالی که براساس آمارهای رسمی، نرخ بی‌کاری نیز در میان بانوان تحصیل کرده به صورت قابل توجهی در حال افزایش است. این مشکل در بین فارغ‌التحصیلان کشاورزی نیز وجود دارد؛ از این رو این مطالعه با هدف شناسایی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دختر رشته کشاورزی اجرا شد. جامعه آماری تحقیق شامل تعداد ۴۴۰ نفر دانشجوی دختر دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین اهواز در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و نمونه آماری به تعداد ۱۵۹ نفر انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسش‌نامه‌ای بود که روایی و پایایی آن به تایید رسید. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون‌های مقایسه‌ی میانگین‌ها مانند t و بررسی واریانس، آزمون هم‌بستگی و آزمون‌های ناپارامتری هم‌چون آزمون کای اسکویر و کروسکال والیس انجام شد. یافته‌ها نشان داد که بین دانشجویان در مقاطع مختلف تحصیلی و مهارت انگیزه‌ی پیشرفت و نیز بین قابلیت انگیزه‌ی پیشرفت دانشجویان در سال‌های مختلف تحصیلی و هم‌چنین بین شغل والدین دانشجویان و قابلیت‌های کارآفرینی آن‌ها تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛ اما بین دانشجویان دختر در رشته‌های مختلف تحصیلی از نظر قابلیت‌های کارآفرینی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد و نیز بین میزان تحصیلات والدین و قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان رابطه‌ی معنی‌داری وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: قابلیت‌های کارآفرینی، کارآفرینی زنان، دختران دانشگاهی، دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین و اهواز

مقدمه

مقوله‌ی کارآفرینی به سرعت در حال گسترش بوده و کارآفرینی زنان موضوع خاص و مورد توجه سراسر جهان است. بسیاری از محققان معتقدند که فعالیت‌های کارآفرینی توسط زنان، نقش برجسته‌ای در سلامت اقتصاد ملت‌ها دارد. زنان در زمان کوتاهی توانستند با ورود به عرصه‌ی کسب و کار، تحول‌های عظیمی در توسعه‌ی اقتصادی کشورها ایجاد کنند. چنانچه آمارها نشان می‌دهد فعالیت‌های اقتصادی زنان ۲۵ تا ۳۵ درصد کل فعالیت‌های جهان را تشکیل می‌دهد (Kantor, 2002, p.79). بی‌توجهی به زنان از دیدگاه نیروی انسانی، موجب هدر دادن و یا ضایع کردن امکانات بالقوه‌ی رشد و بالندگی جامعه می‌شود. به اعتقاد بسیاری از اقتصاددانان، بهبود الگوی معیشتی خانواده، تنظیم روابط درون خانوار و تربیت فرزندان از جمله مواردی است که ارتباط نزدیکی با میزان سواد، تحصیلات و مشارکت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی زنان در بیرون از خانه دارد. تغییر در الگوی فرهنگی نامناسب در اشتغال زنان زیربنای تحول‌های بنیادی در وضعیت زندگی نیمی از جمعیت فعال جامعه به‌شمار می‌رود (عالی‌پور، ۱۳۸۰، صص ۱۴-۱۹).

بالابودن نرخ بی‌کاری زنان فارغ‌التحصیل دانشگاهی یکی از معضله‌های فعلی جامعه‌ی ما بوده و بنابراین ایجاد هماهنگی بین عملکرد دانشگاه‌ها و نیازهای بازار کار از جمله مسایل مهم در آموزش عالی است. از مشکلات دیگر آموزش عالی در زمینه‌ی فارغ‌التحصیلان نبود امکان جذب اثرگذار در بازار کار، رعایت نشدن تناسب بین رشته‌ی تحصیلی و فعالیت شغلی، جذب بیش‌تر فارغ‌التحصیلان در بخش‌های غیرتولیدی و غیرفعال و جذب فارغ‌التحصیلان در کشورهای صنعتی است. نظام آموزشی، انعکاس و ثمره‌ی ساختارهای اجتماعی- اقتصادی همان کشور بوده و کارایی نداشتن آن از مشکلات ساختاری جامعه سرچشمه می‌گیرد (عزیزی و حسینی، ۱۳۸۵، صص ۱۶۵-۱۸۲).

بیان مساله

در ایران زنان، خوداشتغالی را برای غلبه بر مشکل جداسازی مشاغل و مشارکت در توسعه‌ی اقتصادی می‌بینند. جوان بودن جمعیت، گرایش بیش‌تر زنان به تحصیلات عالی و سنتی بودن جامعه، از جمله ویژگی‌های ساخت اجتماعی در ایران است (آراستی، ۱۳۸۵، صص ۹۳-۱۱۹). همان‌طور که گفته شد پایین بودن نرخ کارآفرینی زنان در مقایسه با مردان یکی از مسایل جاری در زمینه‌ی کارآفرینی بوده (GEM, 2004, p.12) و این مساله از این نظر اهمیت دارد که در حدود نیمی از جمعیت کشورها را زنان تشکیل می‌دهند و در عین حال امروزه به‌واسطه‌ی تحولات‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، زنان آمادگی بیش‌تری برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی پیدا کرده‌اند، به‌طوری‌که در سال‌های اخیر، زنان تمایل بیش‌تری به تحصیلات دانشگاهی داشته و نرخ ورود آن‌ها به دانشگاه‌ها، سال به سال رو به افزایش است. از طرفی، براساس آمارهای رسمی، نرخ بی‌کاری نیز در میان زنان تحصیل کرده به‌صورت قابل توجهی در حال افزایش است. افزون بر آن هر چند که صاحب‌نظران مبحث کارآفرینی به رابطه‌ی مستقیم میان تحصیلات بالا و کارآفرینی اشاره قطعی نداشته‌اند، با این وجود اگر دانش تخصصی و اطلاعات روزآمد یکی از تمهیدات لازم برای به‌کارگیری بهینه‌ی منابع موجود و استفاده از روش‌های نوین انجام دادن فعالیت‌های اقتصادی باشد، در این صورت محدودیت ورود زنان به سطوح بالای تحصیلی که به‌طور عمده به‌دلیل غلبه‌ی انتظارات نقش همسری و مادری انجام می‌شود، به‌طور غیرمستقیم به یک عامل تقلیل‌دهنده‌ی کارآفرینی آن‌ها تبدیل می‌شود. زیرا نقش‌ها صورت ذهنی متناسب با خود را در انسان می‌آفرینند (شادی‌طلب، ۱۳۷۷، ص ۲۵).

بنابراین با توجه به وضعیت جمعیتی، تحصیلی و اشتغال زنان در ایران، تدبیراندیشی برای حل معضل بی‌کاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی دختر و ایجاد اشتغال و استفاده از توانمندی‌های این قشر از جامعه کاملاً احساس می‌شود. بنابراین این مطالعه با هدف شناسایی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دختر دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین و بیان ضرورت توجه به توسعه‌ی کارآفرینی در میان زنان و دختران دانشگاهی

سعی در پاسخ دادن به سوال‌هایی هم‌چون چه رابطه‌ای بین ویژگی‌های فردی و قابلیت‌های کارآفرینی دختران دانشگاهی وجود دارد؟ متغیرهای اثرگذار بر قابلیت‌های کارآفرینی دختران دانشگاهی کدام هستند؟ را دارد و در انتها توسعه‌ی کارآفرینی را یکی از راه‌های حل معضل بی‌کاری در میان زنان تحصیل کرده معرفی می‌کند و راه‌کارهایی را برای توسعه‌ی فعالیت‌های کارآفرینانه توسط زنان و دختران دانشگاهی ارائه می‌دهد.

مروری بر ادبیات موضوع

وجود الگوهای کارآفرین در خانواده و دوستان در بسیاری از پژوهش‌ها به‌عنوان عامل اثرگذار در ایجاد انگیزه‌ی کارآفرینی شناخته شده است (Brockhaus & Nord, 1979; Hisrich & Fulop; 1995; pp. 100 GEM, 2004, p. 20)

محرك‌های محیطی در پژوهش‌های بسیاری به‌عنوان عواملی که بر میزان کارآفرینی زنان اثرگذار هستند، بررسی شده‌اند. رضایت نداشتن از شغل قبلی، کمبود فرصت‌های مناسب، بحران‌های شخصی، عوامل اجتماعی، درآمد ناکافی خانواده، مشکل در یافتن شغل مناسب، نیاز به کار انعطاف‌پذیر به‌دلیل مسوولیت‌های خانوادگی، بی‌کاری و کم‌کاری به‌عنوان عوامل منفی و کشف فرصت‌های کسب‌وکار، کشف بازارهای جدید، یک ایده‌ی جدید و ... به‌عنوان عوامل مثبت، از مواردی است که در پژوهش‌های کارآفرینی زنان به آن‌ها اشاره می‌شود (Fried, 1989; Pp.18-25, Deng, Hassan & Jivan, 1995; Pp. 60-80; Lacasse, 1990; Breen, Calvert & Oliver, 1995. Pp. 445-461; Orhan & Scott, 2001, Pp.232-247)

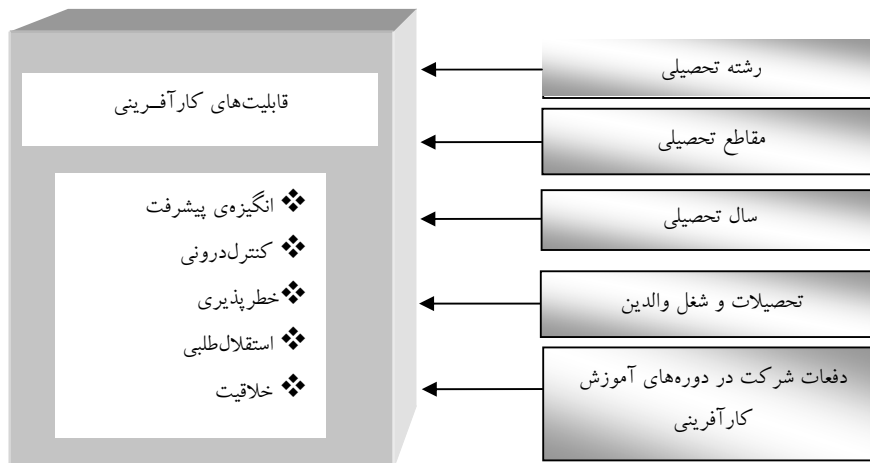
مک‌کلند (۱۹۶۱) ویژگی‌های افراد کارآفرین را شامل انگیزه‌ی پیشرفت، خطرپذیری، کنترل درونی، خلاقیت و استقلال‌طلبی می‌داند. براساس تحقیق‌های انجام شده، پرورش ویژگی‌های بیان شده در افراد باعث تقویت قابلیت‌های کارآفرینی آن‌ها می‌شود. برخی تحقیق‌ها نشان می‌دهند که در افراد قابلیت‌هایی وجود دارد که پرورش این قابلیت‌ها موجب کارآفرینی آن‌ها می‌شود. از مهم‌ترین این ویژگی‌ها خلاقیت، خطرپذیری، کنترل درونی، انگیزه‌ی پیشرفت و استقلال‌طلبی است. غفاری (۱۳۸۷) در

مطالعه‌ای به بررسی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه پیام نور اراک پرداخت، نتایج پژوهش حاکی از آن بود که قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان در زمینه‌ی استقلال‌طلبی، کنترل درونی، انگیزه‌ی پیشرفت و خلاقیت بالاتر از حد میانگین بود، اما نمره‌های خطرپذیری از متوسط نمره‌ی معیار پایین‌تر بود. هم‌چنین، آموزش‌های دانشگاهی در پرورش قابلیت‌های کارآفرینی در دانشجویان اثرگذار نبوده است (غفاری، ۱۳۸۷، ۱۷ ص). بدری (۱۳۸۵) در پژوهشی به بررسی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان و اثرگذاری آموزش‌های دانشگاهی در افزایش این قابلیت‌ها نشان داد که قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان در زمینه‌ی استقلال‌طلبی، کنترل درونی، انگیزه‌ی پیشرفت و خلاقیت بالاتر از حد میانگین بود. اما نمره‌های خطرپذیری از متوسط نمره‌ی معیار پایین‌تر بود. هم‌چنین آموزش‌های دانشگاهی در پرورش ویژگی‌های دانشگاهی در پرورش ویژگی‌های کارآفرینی در دانشجویان اثرگذار نبوده است (بدری، ۱۳۸۵، صص ۷۳-۸۷). یارایی (۱۳۸۳) در مطالعه‌ای دیگر با بررسی برخی روحیه‌های کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه شیراز و مقایسه‌ی آن با مدیران صنایع به این نتیجه رسید که مدیران از انگیزه‌ی پیشرفت بالاتری نسبت به دانشجویان برخوردار هستند و خطرپذیری دانشجویان از مدیران صنایع بالاتر بوده است. هم‌چنین، رابطه‌ی معناداری بین ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان با جنسیت، محل تولد و سطح تحصیلات والدین وجود ندارد (یارایی، ۱۳۸۳، ص ۲). جعفری مقدم و اعتمادی (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای به بررسی نگرش‌های کارآفرینانه دانشجویان (ترم‌های اول و آخر برق و ترم آخر کارآفرینی) دانشگاه تهران پرداختند و نشان دادند که تغییر مثبت نگرش دانشجویان مدیریت کارآفرینی نسبت به ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی پس از دو سال (در مقایسه با بدو پذیرش) و نداشتن این تفاوت معنادار در نگرش دو گروه دانشجویان دانشکده‌ی برق نسبت به ویژگی‌های روان‌شناختی کارآفرینی است. این گروه‌ها در مقایسه با دانشجویان ترم اول مدیریت کارآفرینی (جز در مورد شاخص خطرپذیری) در بقیه‌ی شاخص‌ها از وضعیتی بهتر برخوردار هستند (جعفری مقدم و اعتمادی، ۱۳۸۸، صص ۱۶۳-۱۸۲). سوختانلو و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهشی به ارزیابی و مقایسه‌ی قابلیت‌های

روان‌شناختی اثرگذار بر سطح کارآفرینی دانشجویان کشاورزی دانشگاه تهران پرداختند و نشان دادند که سطوح تحصیلی و دوره‌های دانشگاهی مختلف، سطح قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان کشاورزی را افزایش نمی‌دهد (سوختانلو و همکاران، ۲۰۰۹، ص ۱۷۵).

نتایج مطالعه‌ی آراستی (۱۳۸۵) در بین زنان کارآفرین دانشگاهی ایران نشان می‌دهد که پیش از راه‌اندازی کسب‌وکار مستقل، ۵۷ درصد از زنان کارآفرین دانشگاهی ایران دارای مدرک کارشناسی، ۲۱ درصد کارشناسی‌ارشد و ۳/۸ درصد دکترای حرفه‌ای و یا تخصصی داشته‌اند. بسیاری از این زنان پر تلاش، به‌رغم مسوؤلیت‌های مختلف خانوادگی و کاری، پس از راه‌اندازی کسب‌وکار نیز تحصیلات خود را ادامه داده و در بسیاری از موارد در دوره‌های آموزشی مختلف شرکت کرده‌اند. ۳۳ درصد از پدران و ۱۴/۵ درصد از مادران آن‌ها نیز تحصیلات دانشگاهی داشتند. هم‌چنین مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها عبارت‌اند از تحمل ابهام (۸۵ درصد)، خطرپذیری (۷۹ درصد)، توفیق‌طلبی (۷۱ درصد)، خلاقیت (۶۳ درصد)، مرکز کنترل درونی (۵۰ درصد) و استقلال‌طلبی (۳۲ درصد) (آراستی، ۱۳۸۵، ص ص ۹۳-۱۱۹). ابوالقاسمی (۱۳۸۳) در پژوهشی با عنوان بررسی مقایسه‌ی میزان سلامت روانی، انگیزه‌ی پیشرفت و عملکرد تحصیلی در دانشجویان شبانه و روزانه‌ی دانشگاه محقق اردبیلی نشان داد که در دانشجویان شبانه نسبت به روزانه میزان عملکرد تحصیلی کم‌تر و انگیزه‌ی پیشرفت پایین‌تر بوده و هم‌چنین نتایج نشان داد که مشکلات روان‌شناختی دانشجویان دختر (۸/۳۹ درصد) نسبت به پسر (۳/۲۹ درصد) به‌طور معنی‌داری بیش‌تر است. هم‌چنین نسبت کاهش انگیزه‌ی پیشرفت و افت عملکرد تحصیلی در دانشجویان پسر بیش‌تر از دختر بود. هم‌چنین نتایج نشان داد که میانگین نمرات متغیرهای عملکرد تحصیلی و انگیزه‌ی پیشرفت دانشجویان دختر نسبت به پسر به‌طور معنی‌داری بیش‌تر بود (سفیری، ۱۳۸۰). یک بررسی نیز نشان داده است که اشتغال بر تعادل روانی زنان اثر مثبت دارد (کیان‌شهر، ۱۳۷۸). نتیجه‌گیری از پیشینه‌ی نگاشته‌ها و استخراج متغیرهای اثرگذار بر شناسایی قابلیت‌های کارآفرینی توسط دانشجویان دختر و از تعمق در آنچه تا به‌حال بیان شد می‌توان نمودار شماره (۱)

را برای معرفی برخی از مهم‌ترین متغیرهای اثرگذار بر قابلیت‌های کارآفرینی توسط دانشجویان دختر معرفی کرد.



نمودار ۱. چارچوب نظری تحقیق

روش‌شناسی

این پژوهش، از نظر هدف، کاربردی، از نظر زمانی، گذشته‌نگر، از نظر کنترل متغیرها، پیشین پژوهی و از جنبه‌ی عملیات داده‌پردازی، توصیفی-هبستگی است. متغیر وابسته‌ی این تحقیق، قابلیت‌های کارآفرینی بوده و خود شامل مجموعه‌ای از پنج قابلیت با عناوین: انگیزه‌ی پیشرفت، کنترل درونی، خطرپذیری، استقلال‌طلبی و خلاقیت بوده و متغیرهای مستقل این تحقیق عبارت‌اند از: رشته‌ی تحصیلی، مقطع تحصیلی، سال تحصیلی دانشجویان، میزان تحصیلات و شغل والدین و تعداد جلسه‌های شرکت در دوره‌های آموزش کارآفرینی. عمده‌ترین فرضیه‌های این تحقیق در جدول شماره (۱) آمده است. کلیه‌ی دانشجویان دختر در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین اهواز در سال تحصیلی ۸۶-۸۷ به تعداد ۴۴۰ نفر جامعه‌ی آماری این پژوهش را تشکیل دادند. حجم نمونه براساس فرمول کوکران به تعداد ۱۴۹ نفر و با

استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده تعیین شد که برای اطمینان بیش‌تر، این تعداد به ۱۵۹ نفر ارتقا یافته است. بر این مبنا در آزمایش اولیه^۱ تعداد ۳۰ پرسش‌نامه در خارج از جامعه‌ی مطالعه شده و بین دانشجویان توزیع و اصلاح‌های نهایی اعمال شد. به‌عبارتی گویه‌ها در یک مجموعه‌ی منظم از عبارت‌های دارای ترتیب خاص و دارای وزن‌های مساوی تدوین شد، که در پایان برای هر عامل ۹ گویه‌ی نهایی در یک مقیاس ۵ قسمتی لیکرت (از خیلی کم تا خیلی زیاد در دامنه‌ی ۱ تا ۵) عرضه شد. پس از نمره‌دهی به هر یک از گویه‌ها با حاصل جمع پاسخ‌های داده شده به گویه‌ها، امتیاز زمینیه‌ی بروز کارآفرینی دانشجویان به‌دست آمد. انحراف معیار براساس زمینیه‌ی بروز کارآفرینی ایشان ۲۰/۶۶ برآورد شد. "t" معادل ۱/۹۶ در نظر گرفته شده و در نتیجه با استفاده از فرمول زیر حجم نمونه به تعداد بیان شده محاسبه شد ($d = 7/39$). که با توجه به موارد بیان شده در نهایت حجم نمونه‌ی یادشده به دست آمد.

$$n = \frac{N(t.s)^2}{Nd^2 + (t.s)^2} \quad d = t \frac{s}{\sqrt{n}}$$

ابزار پژوهش شامل پرسش‌نامه‌ای مرکب از آزمون‌های استاندارد شده‌ی خطرپذیری هانس^۲، خلاقیت تورنس^۳، کنترل درونی راتر^۴، انگیزه‌ی پیشرفت باهارگاوا^۵ و استقلال‌طلبی هیسریچ^۶ بوده و طی آزمون اولیه، گویه‌های نهایی تدوین و ارایه شد. اعتبار پرسش‌نامه توسط آلفای کرونباخ ($\alpha = 0/93$) محاسبه و روایی محتوایی و ظاهری پرسش‌نامه براساس نظر خبرگان یعنی جمعی از استادان و صاحب‌نظران مربوطه تایید شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از معیارهایی نظیر میانگین، نمره‌ی معیار، انحراف معیار، ضریب تغییرها و آزمون‌های مقایسه‌ی میانگین‌ها مانند t، تحلیل واریانس و آزمون‌های هم‌بستگی در محیط نرم افزار SPSS نسخه‌ی ۱۵ انجام شد.

1. Pretest 'Pilot study'

2. Hans

3. Torrance

4. Ratter

5. Bahargava

6. Hisreah

جدول ۱. فرضیه‌های مورد بررسی در این تحقیق

ردیف	فرضیه‌های تحقیق	آزمون آماری
۱	بین دانشجویان شاغل به تحصیل در رشته‌های مختلف تحصیلی و قابلیت‌های کارآفرینی آنها تفاوت معنی‌داری وجود دارد.	کروسکال والیس
۲	بین دانشجویان در مقاطع مختلف تحصیلی و قابلیت‌های کارآفرینی آنها تفاوت معنی‌داری وجود دارد.	آزمون t
۳	بین دانشجویان در سال‌های مختلف تحصیلی و قابلیت‌های کارآفرینی آنها تفاوت معنی‌داری وجود دارد.	آزمون F
۴	بین شغل والدین دانشجویان و قابلیت‌های کارآفرینی آنها تفاوت معنی‌داری وجود دارد.	کای اسکویر
۵	بین میزان تحصیلات والدین دانشجویان و قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.	اسپیرمن

جدول ۲. میزان آلفای کرونباخ برای مقیاس‌های بررسی شده در پرسش‌نامه‌ی تحقیق

مقیاس‌های متغیر (قابلیت‌های کارآفرینی)	تعداد گویه‌ها	مقدار آلفای کرونباخ
انگیزه‌ی پیشرفت	۹	۰/۷۵
کنترل درونی	۹	۰/۸۲
خطرپذیری	۹	۰/۸۲
استقلال‌طلبی	۹	۰/۸۲
خلاقیت	۹	۰/۷۶

یافته‌ها

توزیع فراوانی پاسخ‌گویان درباره‌ی ویژگی‌های فردی و تحصیلی

بر اساس توزیع فراوانی، ۷۴/۸ درصد از پاسخ‌گویان دانشجویان کارشناسی و ۲۵/۲ درصد دانشجویان کارشناسی ارشد بودند. بیش‌ترین تعداد پاسخ‌گویان رشته‌های تحصیلی شامل ۳۶ درصد مربوط به ترویج و آموزش کشاورزی و کم‌ترین آنها با ۶ درصد به رشته بیوتکنولوژی اختصاص داشته و بقیه‌ی رشته‌ها به ترتیب درصد فراوانی، شامل رشته‌های علوم دامی ۳۰ درصد، زراعت و اصلاح نباتات ۲۷ درصد، صنایع غذایی ۱۷ درصد، ماشین‌های کشاورزی ۱۳ درصد، گیاه‌پزشکی و خاک‌شناسی ۸ درصد است. ۲۳/۳ درصد از پاسخ‌گویان در سال اول تحصیلی، ۳۸/۴ درصد سال دوم، ۱۹/۵ درصد در

سال سوم و ۱۸/۹ درصد از پاسخ‌گویان در سال چهارم تحصیلی و ۳۸/۴ درصد از پاسخ‌گویان در سال دوم و ۲۳/۳ درصد در سال اول و بقیه به ترتیب در سال سوم و چهارم تحصیلی خود قرار داشتند. هم‌چنین ۹۵ درصد افراد در هیچ دوره‌ی کلاس آموزش کارآفرینی شرکت نکرده‌اند، ۲/۵ درصد افراد تنها در یک دوره و ۲/۵ درصد بقیه در بیش از یک دوره شرکت داشته‌اند. میزان تحصیلات والدین (پدر و مادر) پاسخ‌گویان به ترتیب ۴۰/۳ و ۴۲/۸ درصد در سطح دیپلم بود. شغل پدر ۳۱/۴ درصد از پاسخ‌گویان آزاد و غیردولتی و شغل مادر ۶۸/۶ درصد از پاسخ‌گویان خانه‌دار بود.

توزیع فراوانی پاسخ‌گویان براساس اولویت‌بندی قابلیت‌های کارآفرینی

به‌منظور سنجش میزان قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دختر دانشگاه رامین پنج متغیر انگیزه‌ی پیشرفت، کنترل درونی، خطرپذیری، استقلال‌طلبی و خلاقیت مطابق بررسی‌های پیشین در نظر گرفته شد.

جدول ۳. توزیع فراوانی پاسخ‌گویان براساس اولویت‌بندی قابلیت‌های کارآفرینی

ردیف	قابلیت‌های کارآفرینی	میانگین	انحراف معیار	ضرب تغییرات	رتبه
۱	کنترل درونی	۳۳/۳۲	۴/۶۵	۰/۱۳۹	۱
۲	خطرپذیری	۳۲/۹۸	۴/۸۷	۰/۱۴۷	۲
۳	خلاقیت	۳۳/۶۴	۵/۰۳	۰/۱۴۹	۳
۴	انگیزه‌ی پیشرفت	۳۴/۵۲	۵/۲۸	۰/۱۵۲	۴
۵	استقلال‌طلبی	۳۳/۲۷	۵/۹۱	۰/۱۷۷	۵

همان‌طور که در جدول شماره‌ی ۳ مشاهده می‌شود، عوامل کنترل درونی، خطرپذیری، خلاقیت، انگیزه‌ی پیشرفت و استقلال‌طلبی با بررسی امتیازهای پاسخ‌گویان به ترتیب در اولویت‌های اول تا پنجم قرار گرفتند. این نتایج با نتایج به‌دست آمده از تحقیق‌های غفاری (۱۳۸۷) و بدری (۱۳۸۵) مطابقت داشته و فقط در مواردی جزئی تفاوت دارد.

مقایسه‌ی قابلیت‌های کارآفرینی پاسخ‌گویان براساس مقطع تحصیلی

به‌منظور تعیین تفاوت بین قابلیت‌های کارآفرینی با توجه به مقطع تحصیلی جامعه‌ی مطالعه شده نیز از آزمون مقایسه‌ی میانگین (t-Test) استفاده شد. براساس نتایج جدول شماره (۴) بررسی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان پاسخ‌گو نشان داد که در سطح معنی‌داری ۵ درصد، قابلیت انگیزه‌ی پیشرفت دانشجویان دختر کارشناسی ارشد نسبت به دانشجویان دختر کارشناسی، از میزان بالاتری برخوردار بوده و در بقیه‌ی قابلیت‌ها تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد، بنابراین تفاوت معنی‌داری بین انگیزه‌ی پیشرفت دانشجویان و مقاطع تحصیلی دیده شد که مطابق با یافته‌های آراستی (۱۳۸۵)، یارایی (۱۳۸۳) و جعفری مقدم و اعتمادی (۱۳۸۸) بوده و با نتایج سوختانلو و همکاران (۲۰۰۹) متفاوت است.

جدول ۴. مقایسه‌ی قابلیت‌های کارآفرینی پاسخ‌گویان براساس مقطع تحصیلی

سطح معنی‌داری	آماره t	انحراف معیار	میانگین	قابلیت‌های کارآفرینی مقطع تحصیلی
۰/۰۲۶	-۲/۲۴۶*	۵/۳۹	۳۳/۹۸	انگیزه پیشرفت
		۴/۶۳	۳۶/۱۲	کارشناسی ارشد
۰/۴۱۴	-۰/۸۲۰	۴/۷۲	۳۳/۱۵	کنترل درونی
		۴/۴۶	۳۳/۸۵	کارشناسی ارشد
۰/۱۸۴	-۱/۳۳۴	۵/۰۷	۳۲/۶۸	خطرپذیری
		۴/۱۵	۳۳/۸۷	کارشناسی ارشد
۰/۳۵۴	۰/۴۴۶	۶/۰۶	۳۳/۵۲	استقلال‌طلبی
		۵/۴۴	۳۲/۵۲	کارشناسی ارشد
۰/۲۲۸	۰/۹۲۶	۵/۰۹	۳۳/۳۶	خلاقیت
		۴/۸۴	۳۴/۴۷	کارشناسی ارشد

* معنی‌داری در سطح ۵ درصد

مقایسه‌ی قابلیت‌های کارآفرینی پاسخ‌گویان براساس رشته‌ی تحصیلی

برای مقایسه‌ی قابلیت‌های کارآفرینی پاسخ‌گویان براساس رشته‌ی تحصیلی، از آزمون کروسکال‌والیس^۱ استفاده شد. براساس نتایج جدول شماره (۵)، در قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان رشته‌های مختلف تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. براساس نتایج جدول شماره (۵)، در قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان رشته‌های مختلف تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. این نتایج با نتایج به‌دست آمده از تحقیق‌های جعفری و مقدم و اعتمادی (۱۳۸۸) در تضاد بوده و با نتایج سوختانلو و همکاران (۲۰۰۹) مطابقت دارد.

جدول ۵. مقایسه‌ی قابلیت‌های کارآفرینی پاسخ‌گویان براساس رشته‌ی تحصیلی (کروسکال‌والیس)

خلافیت	استقلال‌طلبی	خطرپذیری	کنترل درونی	انگیزه‌ی پیشرفت	قابلیت‌های بروز کارآفرینی
میانگین رتبه‌ای	میانگین رتبه‌ای	میانگین رتبه‌ای	میانگین رتبه‌ای	میانگین رتبه‌ای	رشته‌های تحصیلی
۷۹/۲۱	۸۰/۴۸	۷۵/۵۸	۷۹/۱۹	۷۸	کشاورزی (زراعت، باغبانی، خاک‌شناسی و گیاه‌پزشکی)
۷۳/۸۳	۷۷/۶۹	۸۱/۵	۷۴/۱۸	۷۵/۲	ترویج و آموزش و ماشین‌های کشاورزی
۸۷/۵	۸۱/۷۶	۸۴/۳۶	۸۷/۱۵	۸۷/۶۸	علوم دامی و صنایع غذایی
$X^2=۰/۱۵$	$X^2=۰/۱۹$	$X^2=۱/۰۶$	$X^2=۱/۹۴$	$X^2=۱/۹۶$	
Sig=۰/۳۴	Sig=۰/۹۰	Sig=۰/۵۸	Sig=۰/۳۷	Sig=۰/۳۷	

– دامنه‌ی میانگین‌ها برای پنج قابلیت انگیزه‌ی پیشرفت، کنترل درونی، خطرپذیری، استقلال‌طلبی و خلاقیت ۱-۵ است.

مقایسه‌ی قابلیت‌های کارآفرینی پاسخ‌گویان براساس سال تحصیلی

برای مقایسه‌ی قابلیت‌های کارآفرینی پاسخ‌گویان براساس سال تحصیلی دانشجویان دختر از آزمون تحلیل واریانس استفاده شد. مطابق نتایج جدول شماره (۶)، فقط تفاوت معنی‌داری میان قابلیت انگیزه‌ی پیشرفت دانشجویان دختر در سال‌های مختلف تحصیلی

1. Kruskal-Wallis Test

مشاهده شد، هم‌چنین براساس نتایج جدول شماره (۷)، برای انجام مقایسه‌های زوجی در بین سال‌های مختلف تحصیلی از روش دانکن استفاده شد. نتایج نشان داد که بین انگیزه‌ی پیشرفت دانشجویان در سال‌های اول و چهارم و نیز بین سال‌های تحصیلی دوم و چهارم تفاوت معنی‌داری وجود دارد که با نتایج جعفری مقدم و اعتمادی (۱۳۸۸) مطابقت دارد.

جدول ۶. مقایسه‌ی میانگین نمره‌های قابلیت‌های کارآفرینی و سال تحصیلی (تحلیل واریانس)

قابلیت‌های کارآفرینی	انگیزه‌ی پیشرفت		کنترل درونی		خطرپذیری		استقلال‌طلبی		خلاقیت	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
سال اول تحصیلی	۳/۵۴	۱/۰۴	۳/۰۸	۰/۸۶	۳/۰۵	۰/۹۹	۳/۱۶	۱/۱۹	۳/۵۱	۱/۰۷
سال دوم	۳/۶۵	۰/۸۹	۳/۳۷	۰/۹۵	۳/۲۷	۰/۹۸	۳/۲۴	۱/۱۰	۳/۴۰	۱/۰۵
سال سوم	۳/۴۵	۰/۹۶	۳/۱۹	۰/۸۷	۳/۰۹	۱/۰۱	۳/۶۷	۲/۳۲	۳/۳۲	۰/۹۷
سال چهارم	۳/۱۰	۱/۲۹	۳/۲۶	۱/۱۷	۳/۲۶	۱/۰۱	۳/۳۰	۱/۲۳	۳/۱۰	۱/۱۲
		$F=۲/۸۳^*$		$F=۱/۱۸$		$F=۰/۵۷$		$F=۰/۴۵$		$F=۰/۹۶$
		$Sig=۰/۰۴$		$Sig=۰/۳۱$		$Sig=۰/۶۳$		$Sig=۰/۷۱$		$Sig=۰/۴۱$

جدول ۷. نتایج مقایسه‌های زوجی (آزمون دانکن)

متغیر گروه‌بندی	گروه	آماره			مقایسه‌های زوجی					
		فراوانی	میانگین	انحراف معیار	۱ و ۲	۱ و ۳	۱ و ۴	۲ و ۳	۲ و ۴	۳ و ۴
سال تحصیلی	اول (۱)	۳۷	۳/۵۴	۱/۰۴						
	دوم (۲)	۶۱	۳/۶۵	۰/۸۹						
	سوم (۳)	۳۱	۳/۴۵	۰/۹۶						
	چهارم (۴)	۳۰	۳/۱۰	۱/۲۹						
					۲/۸۳	۰/۰۴	-	-	+	-

* معنی‌داری در سطح ۵ درصد

جدول ۸. آزمون کای اسکویئر بین متغیرهای مطالعه شده

متغیر گروه‌بندی	سطح	متغیر وابسته	فراوانی مشاهده شده	فراوانی مورد انتظار	کای اسکویئر	سطح معنی داری
شغل والدین	پدر	انگیزه‌ی پیشرفت	۷	۳۶	۵۷/۹۰**	۰/۰۰
		کشاوری	۵۰	۳۶	۸۶/۲۶**	۰/۰۰
مادر	پدر	کنترل درونی	۸۶	۳۶	۶۶/۸۸**	۰/۰۰
		خطرپذیری	۳۵	۷۲	۷۱/۹۰**	۰/۰۰
		استقلال‌طلبی	۱۰۹	۷۲	۴۴/۲۳**	۰/۰۰
	مادر	خانهدار				

**، * ترتیب معنی داری در سطح ۱ و ۵ درصد

جدول ۹. نتایج به‌دست آمده از تحلیل هم‌بستگی بین متغیرهای مطالعه شده

ردیف	متغیر تصادفی اول	متغیر تصادفی دوم	ضریب هم‌بستگی	r (مقدار ضریب هم‌بستگی)	P (سطح معنی داری)
۱	تحصیلات پدر	انگیزه‌ی پیشرفت	اسپیرومن	-۰/۰۸۶	۰/۳۰
۲	تحصیلات مادر	انگیزه‌ی پیشرفت	اسپیرومن	۰/۰۲۷	۰/۷۴
۳	تحصیلات پدر	کنترل درونی	اسپیرومن	-۰/۰۸۹	۰/۲۸
۴	تحصیلات مادر	کنترل درونی	اسپیرومن	-۰/۰۱۵	۰/۸۵
۵	تحصیلات پدر	خطرپذیری	اسپیرومن	-۰/۰۰۵	۰/۹۵
۶	تحصیلات مادر	خطرپذیری	اسپیرومن	۰/۰۴۴	۰/۶۰
۷	تحصیلات پدر	استقلال‌طلبی	اسپیرومن	۰/۰۵۹	۰/۴۸
۸	تحصیلات مادر	استقلال‌طلبی	اسپیرومن	۰/۰۲۳	۰/۷۸
۹	تحصیلات پدر	خلاقیت	اسپیرومن	۰/۰۱۶	۰/۸۴
۱۰	تحصیلات مادر	خلاقیت	اسپیرومن	۰/۰۵۶	۰/۵۰

تعیین و معرفی پیوند بین متغیرهای مطالعه شده با کای اسکویئر و هم‌بستگی

برای بیان رابطه‌ی بین شغل والدین دانشجویان دختر و قابلیت‌های کارآفرینی از آزمون کای اسکویئر استفاده شد. این آزمون به بررسی رابطه‌ی معنی داری تفاوت بین فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار می‌پردازد. نتایج به‌دست آمده از آزمون کای اسکویئر در بین متغیرهای مطالعه شده رابطه‌ی هم‌گنی بین شغل والدین و قابلیت‌های کارآفرینی (انگیزه‌ی پیشرفت، کنترل درونی، خطرپذیری، استقلال‌طلبی و خلاقیت)

دانشجویان را نشان داد (جدول شماره ۸). نتایج به دست آمده از هم‌بستگی متغیرهای سنجش شده در فرضیه‌های هم‌بستگی، به شرح زیر ارایه شده و در آن مقدار هم‌بستگی (بین ۱ تا -۱) و نوع آن (مستقیم و یا معکوس) و هم‌چنین میزان معنی‌داری ارایه شده است (جدول شماره ۹). یافته‌ها نشان دادند که هیچ رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری بین میزان تحصیلات والدین و قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان وجود ندارد. این نتیجه با نتایج به دست آمده از تحقیق یارایی (۱۳۸۳) مطابقت دارد.

بحث و نتیجه

براساس نتایج به دست آمده از تحقیق، بین دانشجویان دختر در رشته‌های مختلف تحصیلی از نظر قابلیت‌های کارآفرینی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد که این نتیجه با نتایج تحقیق‌های جعفری مقدم و اعتمادی (۱۳۸۸) در تضاد بوده و با نتایج سوختانلو و همکاران (۲۰۰۹) مطابقت دارد؛ بنابراین بدیهی است ایجاد شرایط آموزشی بهینه در تمام رشته‌های کشاورزی برای پرورش دانشجویان کارآفرین، نیازمند انسجام و هماهنگی بیش‌تر میان دانشگاه و مرکز آموزش کارآفرینی، اطلاع‌رسانی درست و تنظیم مناسب‌تر محتوای آموزش‌های کارآفرینی است. براساس یافته‌ها، به نظر می‌رسد محتوای آموزش‌های کارآفرینی، براساس سطح و نیازهای آموزشی متناسب با رشته‌های تحصیلی و سطح مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان دختر تهیه نشده و در عین حال، ایجاد هماهنگی بیش‌تر بین فعالیت‌های مرکز آموزش کارآفرینی با برنامه‌های آموزشی و فعالیت‌های یادشده‌ی دانشگاه کشاورزی، تقویت اطلاع‌رسانی به موقع کلاس‌های آموزش کارآفرینی، غنی‌سازی محتوای آموزش‌ها و برگزاری کارگاه‌های آموزش کارآفرینی به همراه بروشورهای آشنایی با برنامه‌های آتی کارآفرینی، می‌تواند در جلب بیش‌تر دانشجویان کشاورزی و افزایش اثربخشی آموزش‌های کارآفرینی اثرگذار باشد؛ در تحقق این امر که عرصه‌ی کشاورزی باید با تغییرهای فناوری و فناوری اطلاعات همراه باشد، تربیت دانشجویان کشاورزی خلاق و کارآفرین در تمامی گرایش‌های کشاورزی که هم‌اکنون به‌طور اخص دختران و زنان قشر عمده‌ی دانشجویان کشاورزی را تشکیل می‌دهد، کارآفرینی از اهمیت خاصی برخوردار است؛ از

این‌رو دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین برای تحقق این امر و پرورش دانشجویان کارآفرین اقدام به تاسیس یک دفتر به نام مرکز کارآفرینی و همکاری‌های بین‌الملل در دانشگاه کرده که به‌طور عمده توسط دانشجویان دختر دانشگاه اداره می‌شود. براساس نتایج به‌دست آمده از هم‌بستگی بین میزان تحصیلات والدین، هیچ‌گونه رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری بین مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان دختر دیده نشد پس می‌توان گفت که میزان تحصیلات والدین دانشجویان نمی‌تواند بر روی مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان دختر دانشگاه رامین اثرگذار باشد. اما از طرفی براساس نتایج به‌دست آمده از آزمون کای‌اسکویر، رابطه‌ی معنی‌داری بین شغل والدین و قابلیت‌های کارآفرینی (انگیزه‌ی پیشرفت، کنترل‌درونی، خطرپذیری، استقلال‌طلبی و خلاقیت) دانشجویان دختر وجود دارد که با نتایج یارایی (۳۸۳) مطابقت دارد؛ بنابراین خانواده به‌عنوان انتقال‌دهنده‌ی مجموعه‌ای از اصطلاح‌ها، آیین‌ها و رفتارهای اجتماعی می‌تواند نقش اثرگذار خود را برای آشنایی با مفاهیمی مانند: «انگیزه‌ی پیشرفت»، «استقلال‌طلبی» و «خطرپذیری» در عرصه‌ی فعالیت اقتصادی و هم‌سازی با واقعیت‌های کاری در جامعه، به اعضای خود ارزانی دارد. نوع نگرش والدین به دنیای اطراف خود و چگونگی تجسم ارزش‌های اجتماعی برای فرزندان در شکل‌گیری آینده‌ی شغلی آن‌ها، می‌تواند راه را برای دست‌یابی به اقتصاد سالم هموار کند. به عبارتی والدین با شناخت توان‌مندی‌های بالقوه‌ی فرزندان خود و هدایت آن‌ها در مسیر شغلی، نقش مهمی در شناسایی و پرورش افراد خلاق و کارآفرین در جامعه ایفا می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت، کارآفرینی، فرایندی اکتسابی بوده و خانواده در شکل‌گیری این فرایند نقش اساسی را ایفا می‌کند. زیرا، خانواده می‌تواند عنصر پویایی و تحرک را به ژرفای وجود افراد تحت نفوذ و وابسته به خود تزریق کند به شکلی که «فرد» و «جامعه» در محیطی هماهنگ به تعامل پردازند و قالب‌های اجتماعی نوآورانه شکل گیرد. خانواده افزون بر نقش تولید نسل و پرورش ابعاد عاطفی و اخلاقی فرزندان، به‌عنوان کانونی برای رشد و پرورش اندیشه‌ی خودباوری، اعتماد به نفس و خودشکوفایی در فرزندان، نقش بسیار اثرگذاری در راه‌اندازی کسب‌وکار اقتصادی و توسعه‌ی فعالیت‌های شغلی در جامعه خواهد داشت.

مقایسه‌ی مهارت‌های کارآفرینی پاسخ‌گویان براساس مقاطع و سال‌های مختلف

تحصیلی دانشجویان دختر، تفاوت معنی‌داری را در بین دانشجویان سال اول و چهارم و نیز بین دانشجویان سال دوم و چهارم نشان داد و دانشجویان مقاطع بالاتر دارای قابلیت کارآفرینی بالاتری نیز بودند و نیز یک تفاوت معنی‌داری بین انگیزه‌ی پیشرفت دانشجویان و مقاطع تحصیلی دیده شد که مطابق با یافته‌های آراستی (۱۳۸۵)، یارایی (۱۳۸۳) و جعفری مقدم و اعتمادی (۱۳۸۸) است و با نتایج سوختانلو و همکاران (۲۰۰۹) متفاوت بوده و این نتیجه بیان‌گر آن است که هر اندازه سطح معلومات و آگاهی دانشجویان نسبت به رشته‌ی تحصیلی خود بالاتر می‌رود به موازات آن قابلیت‌های کارآفرینی آن‌ها به ویژه انگیزه‌ی پیشرفت آن‌ها نیز بالاتر می‌رود که این نتیجه ضرورت وجود آموزش‌های کارآفرینی کشاورزی در میان دانشجویان دختر را تایید می‌کند. بنابراین، دوره‌های تحصیلی و دروس متعدد دانشگاهی برای رشد و پرورش قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان کشاورزی اثرگذار بوده‌اند. بنابراین ضرورت توجه به جهت‌گیری محتوای آموزش‌های دانشگاهی برای تقویت قابلیت‌های کارآفرینی و تشویق و حمایت از طرح‌های علمی- پژوهشی دانشجویان بیش‌تر از گذشته احساس می‌شود. هم‌چنین به نظر می‌رسد دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی باید در جذب جنسیتی دانشجویان کشاورزی در رشته‌های مختلف تحصیلی تناسب‌سازی لازم را رعایت کنند. توسعه‌ی تعاونی‌های ویژه‌ی زنان نیز می‌تواند شرایط کاری مناسبی را برای زنان و دختران فراهم کند. پذیرش واقع‌بینانه‌ی تفاوت‌های طبیعی جنسیتی، پرهیز از مقایسه‌های بی‌مورد که موجب کاهش عزت نفس می‌شود، اعتماد به استعدادها و توانایی‌های خود، هدف‌مندی و انتخاب برنامه‌های منطقی، رشد تفکر عقلانی، هم‌چنین مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی به‌ویژه سازمان‌های صنفی غیردولتی، در مجموع مهارت‌های کارآفرینی زنان را افزایش می‌دهد.

پیشنهادها

از آن‌جا که توسعه‌ی کارآفرینی زنان در کشور، به ویژه در میان دختران دانشگاهی، افزون بر معضل حل بی‌کاری آثار مستقیم و غیرمستقیم در توسعه‌ی فرهنگی، اجتماعی و

اقتصادی کشور خواهد داشت، ضرورت تغییر و تحول در ساختارهای موجود فرهنگی-اجتماعی کشور برای تشویق زنان و دختران به کارآفرینی، بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود. بنابراین راه کارهای زیر برای توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه زنان پیشنهاد می‌شود.

- ارزش نهادن به کارآفرینی زنان و معرفی زنان کارآفرین موفق به منظور افزایش خودباوری، اعتماد به نفس و تقویت انگیزه‌ی کارآفرینی در زنان و دختران دانشگاهی با برگزاری سمینارها و همایش‌های متعدد در دانشگاه؛
- اختصاص یک واحد درسی به نام کارآفرینی کشاورزی برای دانشجویان دانشگاه کشاورزی و یک واحد درسی دیگر به نام کارآفرینی زنان برای دانشجویان دختر؛
- ارائه‌ی آموزش‌های تخصصی و کاربردی در زمینه‌ی کارآفرینی، در قالب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت، برگزاری همایش‌ها و کارگاه‌های تقویت مهارت‌های کارآفرینی خاص که فقط مختص دانشجویان دختر کشاورزی باشد؛
- توسعه‌ی تعاونی‌های ویژه‌ی زنان، تقویت تشکل‌های زنان کارآفرین و ایجاد مراکز رشد کارآفرینی زنان در دانشگاه‌های کشاورزی با مدیریت مهندسان کشاورزی کارآفرین دختر؛
- ایجاد تناسب لازم در جذب جنسیتی دانشجویان کشاورزی و پذیرش واقع‌بینانه‌ی تفاوت‌های طبیعی جنسیتی در رشته‌های مختلف تحصیلی کشاورزی.

منابع

۱. آراستی، زهرا (۱۳۸۵). زنان کارآفرین ایرانی؛ ساختارهای فرهنگی - اجتماعی موثر در ایجاد کسب و کارهای کارآفرینانه. *پژوهش زنان*، دوره ۴، شماره ۲، صص ۹۳-۱۱۹. قابل دسترس در: http://www.sid.ir/Fa/VEWSSID/J_pdf
۲. ابوالقاسمی، عبدا... (۱۳۸۳). بررسی مقایسه میزان سلامت روانی، انگیزه پیشرفت و عملکرد تحصیلی در دانشجویان شبانه و روزانه دانشگاه محقق اردبیلی. دومین سمینار سراسری بهداشت روان دانشجویان.
۳. بدری، احسان؛ لیاقتدار، محمدجواد؛ عابدی، محمدرضا و ابراهیم جعفری (۱۳۸۵). بررسی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*. سال دوازدهم، شماره ۲ (پیاپی ۴۰). صص ۷۳-۸۷.
۴. جعفری مقدم، سعید و کاوه اعتمادی (۱۳۸۸). ارزیابی مقایسه‌ای نگرش‌های کارآفرینانه دانشجویان (مطالعه موردی: دانشجویان کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی و مهندسی برق دانشگاه تهران). *توسعه کارآفرینی*، سال اول، شماره ۴، صص ۱۶۳-۱۸۲.
۵. سفیری، خدیجه (۱۳۸۰). موانع و مشکلات اشتغال زنان و تاثیرات و پیامدهای آن، *نشریه کار و جامعه*، شماره ۳۹. بانک اطلاعات نشریات کشور.
۶. شادی‌طلب، ژاله (۱۳۷۷). مدیریت زنان: ضرورت تغییر رفتار در نقش مدیریت. مجموعه مقالات نخستین همایش جامعه‌شناسی و مدیریت. سازمان مدیریت صنعتی. ص ۲۵.
۷. صابر، فیروزه (۱۳۸۶). موانع زنان کارآفرین بیش‌تر از مردان است. *روزنامه سرمایه*، شماره ۴۷۶، قابل دسترس در: <http://www.magiran.com/nptoc.asp>
۸. عالی‌پور، زهره (۱۳۸۰). تجربه کارآفرینی زنان در جمهوری اسلامی ایران (تعاونی، خصوصی)، *نشریه تعاون*، شماره ۱۱۹، صص ۱۴ - ۱۹.

۹. عزیزی، بهارک و سیدمحمد حسینی (۱۳۸۵). نقش آموزش و توسعه کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی. *جهاد*، ش ۲۷۴. صص ۱۶۵-۱۸۲.
۱۰. غفاری، هادی (۱۳۸۷). بررسی قابلیت های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه پیام نور اراک. همایش ملی توسعه کارآفرینی در آموزش های علمی کاربردی کشاورزی. ص ۱۷.
۱۱. کیانشهر، محمدعلی (۱۳۷۸). تاثیر اشتغال زن بر خانواده، *نشریه کار و جامعه*، شماره ۲۲، بانک اطلاعات نشریات کشور.
۱۲. یارایی، علیرضا (۱۳۸۳). بررسی برخی روحیات کارآفرینی در بین دانشجویان و مقایسه آن بامدیران صنایع. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز، شیراز. ص ۲.
13. Breen, J., Calvert C. & Oliver J. (1995). Female Entrepreneurs in Australia: An Investigation of Financial and Family Issues. *Journal of enterprising culture*, 3(4), 445-461.
14. Brockhaus, R. & Nord, W. (1979). An Exploration of Factors Affecting the Entrepreneurial Decision: Personal characteristic Vs. Environmental Conditions. Proceedings of the national academy of management.
15. Deng S., Hassan L. & Jivan S. (1995). Female Entrepreneurs Doing Business in Asia: a Special Investigation. *Journal of small business and enterprise*, 12, 60-80.
16. Fried, L. L. (1989). A New Breed of Entrepreneur-Women, *Management Review*, 78(12), 18-25.
17. GEM, (2004). Report on Women and Entrepreneurship. Global Entrepreneurship Monitor. pp.12-20
18. Hisrich R & Fulop G; (1995). The Role of Women Entrepreneur in Hungary s Transition Economy. International studies of management organization. 24(4). 100.
19. Kantar, P. (2002). Promoting Women s Entrepreneurship Development Based on Good Practice Programmers: Some Experience From the North to the South. *ILO S In Focus programmer*, Working paper no 9. 79 pages.
20. Lacasse, R. M. (1990). La petite entreprise au Canada: le cas particuliere de l'entrepreneuriat feminine dans le secteur manufacturier, these de doctorate en science de gestion, universites de Nice Sophia-Antipolis.
21. McClelland, D. (1961). The Achieving Society. Princeton: NJ. Van No strand.
22. Orhan, M. et D & Scott. (2001). Why Women Enter into Entrepreneurship: an Explanatory Model. *Women in Management*

- Review*, 16(5), 232-247.
23. Postigo, S. (2002). "Entrepreneurship Education in Argentina: The Case of Sananders University". In Proceedings of the Conference Entitled. The Internationalizing in Entrepreneurship Education and Training. Malaysia.
 24. Sookhtanlo, M, Rezvanfar, A. Hashemi, S.M. (2009). "Psychological Capabilities Affecting Agricultural Students Entrepreneurship Level: A Comparative Study", Research Journal of Agricultural and Biological Sciences, 5(2).

